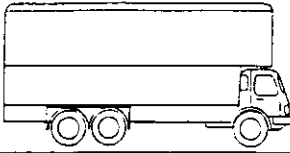
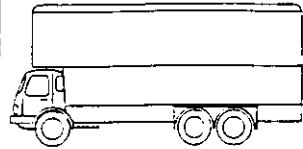


کمک های خارجی



انگیزه های پرداخت و

اهداف پرداخت کنندگان



دکتر فریدون وحید - استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان

کسی را سخنی اگر ماهی

تروان از طعامش نابد بد کار

اگر صد ماهی بیاموزیش

بد عمری شود روزش برقرار (۱)

بظامی مؤثر در پرداخت آن را هرگز ساند از نظر دور داشت .
گاهی گذرا بد بهرست کشورهای دریافت کننده کمک ، نشان
می دهد که آشنایی که از موفقت استراتژیکی قابل ملاحظه ای
برحیوردار نیست کمتر توجه کمک دهندگان را به خود جلب
می کند . حال آنکه گاه بس می آید که کمک دهندگان بر سر آنکه
اولین دولتی به حساب آیند که به کشوری تازه استقلال یافته
کمک می کنند تا یکدیگر به رفاهتی بسپاری می پردازد .

در واقع اهداف کشورهای کمک دهنده در پرداختن به این کار
متفاوت و معمولاً " مبهم است . عده ای بر این باورند که هدف از
این کار یاری رساندن به کشورهای کم رشد است بدان امید که این
کشورها بتوانند به سطح کشورهای صنعتی برسند ، ولی نتایجی که
از کمک حاصل می آید و نحوه کمک رسانی و نوع کمک های اهدائی
به آسانی نشان می دهد که هرگز جس منظوری در کار نیست و
کشورهای صنعتی هرگز نمی تواند چنین هدفی داشته باشد چه
دستیابی کشورهای غیر صنعتی به سطح کشورهای صنعتی به معنای
محدود شدن بازارها و امکانات بهره برداری از منابع و معادن
کشورهای غیر صنعتی برای کشورهای صنعتی است .

هدف دیگری که گاه در سیاستهای کمک رسانی عنوان می شود
کاهش شکاف خطرناکی است که کشورهای دارا و ندار را از یکدیگر
جدا می کند . این هدف نیز ، اگر واقعاً " مورد توجه کشورهای کمک
دهنده بوده و از سوی آنها دنبال شده باشد ، نه تنها حاصل
نیامده است بلکه شکاف موجود هر روز عمیق تر شده است و این
روندی است که هنوز هم ادامه دارد . غیر عادلانه بودن روابط
مبادله ای بین کشورهای دارا و ندار ، آهنگ فزاینده رشد اقتصادی

همه ساله مبالغی به صورت پول نقد و اعتبار و با مفادیری
کالاهای مختلف به عنوان کمک های خارجی از طرف کشورهای
صنعتی در اختیار کشورهای غیر صنعتی و کم توسعه قرار می گیرد .
انگیزه ها و دلالتی که ممالک کمک دهنده را به اس کار تشویق
می کند متعدد و گوناگوسد و انگیزه های اقتصادی و نظامی - سیاسی
از مؤثرترین آنها شمار می آید .

به عبارت دیگر پرداخت کمک بدون چشم داشت و فقط به منظور
رفع باره ای از دشواریهای کشورهای دریافت کننده صورت نمی گیرد ،
بلکه در این داد و ستد منافع کشور پرداخت کننده ، کمک ، مست
از هر حیر مورد توجه است .

آگاهی بر نحوه ، واگذاری کمک ، بررسی روابط سیاسی - تجاری
طرفین کمک و وفوف بر حجم مبالغی که همه ساله به عاویس مختلف
از کشورهای دریافت کننده به کشورهای واگذار کننده سراریر می شود
ماهیت کمک و دلایل واگذاری آن را به روشنی آشکار می سازد .

آیا پول ها ، اعتبارات و کالاهائی را که همه ساله برخی از
کشورهای صنعتی به عنوان کمک در اختیار کشورهای کم توسعه و با
در حال توسعه می گذارند می توان واقعاً " کمک تلقی کرد ؟ با
بررسی انگیزه های واگذاری کمک و شناسائی اهدافی که در آن
دنیال می شود پاسخی مثبت به پرسش فوق نمی توان داد . کمک به
جهان سوم کمکی رایگان نیست و محرک های سیاسی ، تجاری و



کشورهای گروه نخست و کندی یا توقف رشد اقتصادی و هجران رشد
بر شتاب جمعیت در کشورهای گروه دوم از عوامل مؤثر در تداوم
این وضع هستند.

هر بار که کشورهای غیر صنعتی نظیر حداگانه یا در چهار چوب
سازمانهایی در صدد اصلاح روابط مادل‌های خود با کشورهای صنعتی
بر آمده‌اند کارکنسبهای این کشورها و زد و سدهای آنها با برخی
از کشورهای غیر صنعتی مواعی بزرگ بر سر راه ایجاد کرده و
نگذاشته‌اند اصلاح و بهبودی در این زمینه صورت گیرد.

سازمان کشورهای صادر کننده نفت (۲) یکی از این سازمانهاست
و بررسی مواضع این سازمان در برابر قدرتهای بزرگ صنعتی
و نقش محربی که هر چند گاه به یکی از کشورهای عضو و معمولاً "به
آنهاست که در صدور نفت سهمی مهم داشته‌اند واگذار می‌شود
کارشکسها و زد و سندهای پشت پرده را نیک آنکار می‌سازد.

هدف دیگری که به عقیده عده‌ای در اعطای کمک دسالم می‌شود
پاری رساندن " به پیشرفت اقتصادی کشورهاست در حدی که از -
دگرگوسبهای عمیق اجتماعی و سیاسی این کشورها جلوگیری شود "
دگرگوسبهایی که می‌توانند بحرانهایی را در پی داشته باشند و
کشورهای صنعتی را نیز در کام کشند. به عبارت دیگر هدف از
واگذاری کمک سطر این عده، پیشگیری از انقلابات و انفجاراتی
است که مآلاً در کشورهای فقیر رخ می‌دهد و اوضاع و شرایط
موجود و سناغ اقتصادی کشورهای غنی را به مخاطره می‌اندازد.

در این صورت، کمک در واقع بهائی است که کشورهای صنعتی
برای تداوم بخشیدن به روابط موجود با کشورهای غیر صنعتی
می‌پردازند.

چنین می‌نماید که کشورهای صنعتی در اعطای کمک به کشورهای
چنان سوم بسز هدف موق را دسالم می‌کند و به منظور بوجه
این کار برای شهروندان خود از دلایلی استفاده می‌کند که به سه
نوع اصلی تقسیم می‌گردند:

۱- دلایل تجاری ۲- دلایل استراتژیکی ۳- دلایل اخلاقی
این دلایل در پیام کندی در سال ۱۹۶۱ به کنگره آمریکا در
موضوع کمک به خارج سیک مشهود بود: "ویرانی اقتصادی ملل -
آزاد ولی کمتر رشد یافته که اینک در میان رشدی حمایت شده و با
ناسامانی اقتصادی تعادل خود را حفظ کرده‌اند، برای سعادت و
روبق سسی ما رحمت آفرین، برای امنیت ملی ما خطرناک و برای
وجدان ما موهن خواهد بود" (۳)

گرچه وسائل و دستگاههای تبلیغاتی کشورهای کمک‌کننده بیشتر
دلیل سوم را مطرح می‌سازند و بیرامون آن به تبلیغ می‌پردازند
ولی آنچه که در واقع مورد توجه این کشورهاست دو دلیل تجاری
و استراتژیکی است.

کمک اقتصادی به کشورهای کم رشد در واقع کمکی غیر مستقیم
به اقتصاد کشورهای کمک دهنده است، چه بازار کشورهای فقیر را

نقوت می‌کند، روابط اقتصادی را توسعه و استحکام می‌بخشد و فرصت‌های بیشتری برای تولیدی صاحبان صنایع کشورهای کمک‌دهنده را افزایش می‌دهد. در گزارش وزارت امور خارجه آمریکا در دسامبر ۱۹۶۸ آمده است: "بزرگترین اشتباهی که در موضوع برنامه کمک‌های خارجی رخ داده است قبول این است که ما یون به خارج می‌فرستیم، نه ما حسین کاری می‌کنیم. کمک به خارج از کالاها، مواد اولیه، خدمات و فرآورده‌های حوراکي آمريکايي تشکیل می‌شوند (۴)."

۹۳٪ پول‌های آژانس توسعه بین‌المللی مستقما" در ایالات متحده آمریکا برای پرداخت بدهی‌های حسین حیزه‌های مدیریت شده است. تنها در سال گذشته نزدیک به ۴۰۰۰۰۰ کارخانه آمریکایی در ۵۰ ایالت مبلغی معادل ۱ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار از پول‌های آژانس مذکور را در برابر کالاهایی که در چهارجوت برنامه کمک‌های خارجی عرضه کرده‌اند دریافت دانستند (۵).

وضع کمک‌های دیگر کشورهای صنعتی نیز همین است. نزدیک به $\frac{1}{3}$ کمک‌های خارجی انگلستان در جود این کشور مصرف می‌شود. این کمک‌ها علاوه بر سفارشات که در چهارجوت برنامه‌های کمک‌های رسانی برای صنایع کشور مذکور ایجاد می‌کند سفارشات اضافی دیگری نیز می‌تواند به همراه داشته باشد (۶).

$\frac{1}{3}$ کل کمک‌های خارجی فرانسه به سوی ایالات و برزیل می‌رود. ماوراء بحار این کشور و حتی اعظم نامبرده به سوی مستعمرات بیس آن سرزمین می‌شود و در عمل همه این منابع از طریق انتقال سرمایه‌ها و با در مقابل سفارشات به فرانسه باز می‌گردد (۷). نزدیک به ۸۰٪ اومهای دولتی ژاپن به خرید کالاها و خدمات رسانی اختصاص می‌یابد و سرمایه‌ها و بازپرداخت بسیار سخت و انعطاف‌ناپذیر است (۸).

آلمان نیز دارای وضعی مشابه است و دست کم $\frac{4}{5}$ از منابع مربوطه کمک‌های خارجی آن به کشور باز می‌گردد (۹).

البته به این واقعیت باید توجه داشت که از کشورهای کمک‌دهنده آنهایی که علاوه بر منافع اقتصادی در پی منعم و تداوم سلطه سیاسی و نظامی جوش بر جهان هستند در برابر انگیزه استراتژیکی، اگر به بیشتر، دست کم به همان اندازه انگیزه اقتصادی از جود حساسیت نشان می‌دهند و کمک خود را بیشتر متوجه کشورهای می‌کنند که با از خطر نظامی می‌توانند حائز اهمیت باشند و یا، در ارتباط با دو ابر قدرت، با دریافت کمک ممکن است از اردوگاهی فاصله گرفته و به اردوگاه کمک‌دهنده نزدیک گردند.

ایالات متحده آمریکا با سیاستهای قدرت‌طلبانه و سلطه‌جویانه‌ای که به ویژه در کشورهای کم توسعه و در حال توسعه دنبال می‌کند، برنامه‌های کمک‌های رسانی خود را بیشتر بر این پایه قرار داده و کمک‌های خود را بیشتر متوجه کشورهای می‌کند که با در اردوگاه

رفت فرار گرفته‌ولی در سنده فاصله گرفتن از آند و ما از سوی این اردوگاه تهدید می‌شوند.

یکی از هدفهای اساسی که در سیاستهای کمک‌های رسانی ایالات متحده آمریکا دنبال می‌شود جلوگیری از نفوذ کمونیسم است. در زمانی که تهدیدات افسالین بر علیه تئو در سبابت سنت بود، یوگسلاوی کمونیست، نه تنها بی سش از مجموع کشورهای آمریکای جنوبی از کمکهای دولت آمریکا برخوردار بود.

" هنگامی که ایالات متحده آمریکا سازرات ضد کمونیستی جود را متوجه آسیا ساخت به سظان مستند این منطقه که تنها بر ۳٪ از جمعیت آسیا حکومت می‌کردند و با هر گونه تحول و اصلاح مخالف بودند، دلیل آنکه در مرزهای حسین قرار داشتند نزدیک به سیمی از کل کمکهای خارجی آمریکا را دریافت می‌دانستند. در فاصله ۱۹۵۴ تا ۱۹۵۸ لائوس و ویتنام جنوبی تقریبا" برابر هند و پاکستان و کره جنوبی به نهایی برابر هند، پاکستان، برما، سیلان و فیلیپین از کمکهای بلاعوض و وامهای آمریکا استفاده کرده‌اند. در سال ۱۹۶۷ ایالات متحده آمریکا، علاوه بر هزینه‌های مربوطه جنگ، به برابر مبلغی که به عنوان کمک در اختیار ۳۸ کشور آمریکایی گذاشت است در برنامه‌های کمک‌های رسانی به ویتنام خرج کرده است (۱۰).

دلیل سوم که دلیل اخلاقی است کمتر کشورهای غنی را به اعطای کمک برمی‌انگیزد و ستر در آن دسته از کشورهای بی‌سرمه مورد توجه است که گذشته‌های استعماری و با هویت و هویت سلطه‌جویی و قدرت‌طلبی جهانی نداشته باشند. کمک‌هایی که توسط کشورهای مانند سوئد، نروژ، دانمارک و کشورهای از این قبیل صورت می‌گیرد بیشتر انگیزه اخلاقی دارند. ولی ما توجه به ارقام این گونه کمک‌ها و مقایسه آنها با ارقامی که در امور غیر ضروری در بسیاری از کشورهای بی‌سرمه مصرف می‌شود و یا ولخرجیهایی که صورت می‌گیرد، نقش تاحیر اخلاق و الزامات اخلاقی در سیاستهای کمک‌های رسانی یک آنکار می‌گردد.

کمک‌هایی را که از سوی انجمنهای خیریه و مؤسسات مذهبی کشورهای غنی جمع‌آوری شده و در اختیار کشورهای فقیر گذاشته می‌شود آسانتر می‌توان با اخلاق و الزامات ناشی از آن در ارتباط دانست ولی انگیزه کمک‌ها سر غالباً " نمی‌توانند با منافع سیاسی و اقتصادی در رابطه نباشند.

در سال ۱۹۷۵ در مقابل مبلغی نزدیک به ۱۴ میلیارد دلار کمک‌های رسمی، در حدود ۷۰۰ میلیون دلار از سوی انجمنهای مختلف خیریه و مؤسسات مذهبی در اختیار کشورهای فقیر گذاشته شده است.

بررسی کمی و کیفی منابعی که کشورهای دارا به عنوان کمک در اختیار کشورهای ندار می‌گذارند و نگاهی گذرا به وضعیت کشورهای ندار در مدتی که کمک دریافت کرده‌اند به سادگی نشان می‌دهد که

اولاً "مبالغ واقعی کمک بسیار آندکتر از آنست که اعطا کنندگان آن اعلام داشته‌اند و ثانياً "این مبالغ نتوانسته‌اند تحوولی متناسب در کشورهای دریافت کننده پدید آورند. در سال ۱۹۷۰ مجموع کمکهای خالص کشورهای صنعتی غربی به کشورهای جهان سوم، حدود ۱۴ میلیارد دلار بوده است نیمی از این مبلغ از سرمایه - گذاریهای خصوصی و اعنارات صادراتی تشکیل می‌شده است که به هیچ روی نمی‌توان عنوان کمک به آنها اطلاق کرد چه سرمایه‌گذاری خصوصی با امید بهره برداریهای کلان از سوی سرمایه‌گذاران صورت می‌گیرد و اعنارات صادراتی نیز در واقع کمک به صایع و صادرات کشور کمک دهنده است.

شرایط دیگری از قبیل وابسته بودن کمکها، یعنی الزام و اجبار کشور دریافت کننده در اعتنا به شرایطی که کمک را همراهی می‌کند، بار از میزان ارزش واقعی کمکها می‌کاهد. در کمکهای وابسته نحوه، استفاده، از کمکهای دریافتی یعنی زمینه‌هایی که کمک باید در آنها به کار گرفته شود و سز کارشامان و منحصمانی که در احرای طرحهای مربوطه کمک باید از کشور کمک دهنده یا کشور ثالثی استخدام شود، از سوی کشور کمک دهنده مشخص می‌شود. این شرایط و شرایط دیگری که به منظور خودداری از اظاله کلام از ذکر آنها چشم پوشی می‌کسم ۷ میلیارد دلار باقیمانده را به حدود ۲/۵ میلیارد دلار کاهش می‌دهند.

ولی مبلغ کمک به ظاهر و براساس آنچه که رسماً "اعلام می‌گردد همان ۱۴ میلیارد دلار است و انگیزه‌های این مبالغه سیر آشکار است. شاید یکی از این انگیزه‌ها کاهش اهمیت مبالغی باشد که اعطا کنندگان کمک همه ساله از طریق تجارت با جهان سوم به جهت می‌رند. در سال ۱۹۶۵ جمع کمکهای کشورهای غنی به کشورهای جهان سوم به ۱۰ میلیارد دلار و مبالغ آنها از تجارت با این کشورها بر دردت به همس مبلغ می‌رسده است، البته با این نعاون که مبلغ بخت مبالغه آمیز و غیر واقعی و مبلغ دوم اگر کمتر از واقعیت نباشد دست کم مبالغهای در آن صورت نگرفته است (۱۱). توجه داشته باشیم که مبالغی که در سطوحی چنین ناچیز در اختیار کشورهای کم توسعه گذاشته می‌شود معمولاً " بدون توجه به اولویتها و بیشتر در راه امور فرعی و غیر ضروری صرف می‌شوند. بخشی از این مبالغ در برکردن حسابهای سری و ارضای هوی و هوس و تحمل برسیبهای حکمروایان خرج می‌شود و بخش دیگری را فساد دستگاههای حکومتی در کام می‌کند و اگر ناچار قسمتی در پای اقتصاد کشور به کار رود غالباً بخشهایی مورد توجه قرار می‌گیرد که با مبالغ کشورهای کمک دهنده انطباق بیشتری داشته باشند. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که کمکهای خارجی مشکل گشای کشورهای کم رشد نبوده و نیست و جرایم هم از آن انتظار نباید داشت چه انگیزه اساسی در اعطای آن حل این دشواریها نبوده است.

یادداشتها ++++++

۱- اصل شعر از گوان تزو (KUAN - TZU) ترجمه به شعر فارسی از نگارنده.

2- Opec

3- Tibor MENDE, De L'aide a La recolonisation, Editions du Seuil, 1975, P.63.

۴- در سال ۱۹۶۹ در کل کمکهای خارجی آمریکا مبلغ ۱۰۱ میلیون دلار هزینه اعزام اعضای سپاه صلح به کشورهای دریافت کننده کمک نیز منظور شده است.

در سال ۱۹۶۷ شانزده کشور عضو کمیته کمک به توسعه (C.A.D.) یعنی آلمان، استرالیا، اتریش، بلژیک، کانادا، دانمارک، ایالات متحده آمریکا، فرانسه، ایتالیا، ژاپن، نروژ، هلند، پرتغال، انگلستان، سوئد، سوئیس هزینه‌های مربوط به اعزام ۲۵،۰۰۸۳ داوطلب (۱۱،۰۸۹۰ معلم و ۱۳،۱۹۳ مشاور فنی) به کشورهای دریافت کننده کمک را در جمع کمکهای خارجی خود منظور کرده‌اند.

گذشته از اینکه بخش عمده این مبالغ در کشورهای کمک کننده باقی می‌ماند بسیار بعید می‌نماید که معادل آنچه که زیر این عنوان در مجموع کمکها منظور می‌گردد در کشورهای دریافت کننده کاری صورت گیرد.

5- William S. GAUD, Foreign Aid, What it is; - how it works; why we provide it.

در نشریه وزارت خارجه ایالات متحده آمریکا شماره ۱۵۳۷ مربوط به ۹ دسامبر ۱۹۶۸ صفحه ۶۰۵

6- What is British Aid? London, HMSO, 1970, P.6.

7- Tibor MENDE, De L'aide a la recolonisation, Editions du Seuil, 1975, P.95.

۸ و ۹- همان کتاب، صفحه ۹۶

۱۰- همان کتاب صفحه ۱۰۰

11- Maurice GUERNIER, La dernière chance du tiers-Monde, Robert Laffont, 1968, P.133.